

کردستان: گره‌گاه انقلاب ایران

کردستان بزمانی دز تسخیرناپذیر انقلاب در نظر دوسان و دشمنان مردم واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای است. این اهمیت بیشتر از آن جهت چشم گیر است که پس از گذشت ۱۵ ماه از عمر جنبش انقلابی ملی در کردستان ارتجاع غلبرم دسیسه جینی های بی‌شمار، توطئه‌های بی‌پایان و هجوم و تجاوزات تیرمانه، هنوز نتوانسته است حاکمیت خود را برای خلق اعمال کند. این امر به نفع قابل ملاحظه‌ای سلطه ارتجاع سرمایه‌داری را، که اکنون بر بستر بحران اقتصادی-اجتماعی کسترده‌ای در نلاطم است، به مخاطره می‌اندازد و نیز بمیزان زیادی به او جگری و رتد جنبش انقلابی ایران کمک میکند.

این نقش ویژه جنبش کردستان و تاء شیر قاطع و گریز ناپذیر آن بر هر دو جبهه، انقلاب و ضدانقلاب، کردستان را به یکی از باکاهای اصلی - در حال حاضر تنها پایگاه بوده‌ای - انقلاب ایران تبدیل کرده است، آنرا بدل به گره‌گاه نبرد حیاتی و سرنوشت‌سازی کرده است که میتواند و باید در تداوم تاریخی خود نبرده طیفی کارگران و زحمتکشان ایران را بر علیه حاکمیت سرمایه منعکس نماید.

هم‌اکنون چشم‌انداز روشن و امیدبخش تکامل مبارزه خلق کرد - از مبارزه ملی در محدوده، کردستان به مبارزه طبقاتی در سراسر ایران - را میتوان در شرکت انقلابیون و سازمانهای کمونیستی ایران، بمنزله پیشگامان پرولتاریا، در جنبش کردستان مشاهده کرد.

هیئت حاکمه ارتجاعی ایران، که هستی خود را در گرو نابودی مبارزات دموکراتیک توده‌های مردم میبیند، بر این واقعیت واقف است که ادامه جنبش کردستان و امکان شرکت فعال کمونیستها در آن میتواند به نفعی حاکمیتش منجر شود. از اینرو مجبور است در مقابل طیف وسیع نیروهای انقلابی حضور خود را در کردستان گاه بوسیله ارتش، پاسداران و جاش‌ها و گاه توسط عالیجنابان هیئت ویژه اعلام نماید. همانگونه که در مقابل متحدین جنبش خلق کرد، یعنی در مقابل سازمانهای انقلابی کمونیست و دموکرات ایران، پاسداران کمیته‌ها و حزب‌اللهی‌های چماق بدست را علم میکند. او مجبور است در مقابل دموکراتیسم انقلابی خلق کرد بر ناآگاهی توده‌ها تکیه کند و از احساسات آنها برای حقانیت بخشی به هدفهای ارتجاعی خود سود جوید. و نیز مجبور است در برابر جبهه، متلفه خرده بورژوازی شهرو ده کرد و بسا حمایت از جانب بخشی از بورژوازی کود، عالیف سپهمن پرستانه، توده‌های ایرانی را تا حد کراشات سرنسیسی تنزل دهد و از آن بمنزله ابزار مطمئن که با شعار جاودان "تجزیه ظلمی" منقش میشود، استفاده نماید. و دست‌آحرنا کزیر است در مقابل جنبش "انقلابی ملی" خلق کرد جنبش

"ارتجاعی شوونیستی" را برپا کند.

در این توطئه ضد انقلابی هیئت حاکمه همه جناحهای در کیر در قدرت، هریک با مهر و نشان طبقاتی خود و همه در راستای برقراری حاکمیت سرمایه شرکت دارند. وجه تمایز سیاستها این بازیگران درام سیاسی ایران نه ناشی از جهت‌گیری طبقاتی آنان، بلکه برخاسته از مسابقه قدرتی است که با شدت و حدت تمام و بطور مداوم بین آنها جریان دارد. طبیعا "منافع لاشخورانی که بر لاشه نیمه جان انقلاب ایران بسر ریودن سهم بیشتر با یکدیگر در ستیزند در سیاستهایشان منعکس میشود. و بهمین دلیل است که تناقض و تضاد درونی هیئت حاکمه در قبال مسئله ملی خلق کرد قبل از آنکه مبین منافع طبقاتی خاص و یا حسن نیت این جناح و جنک افروزی جناح دیگر باشد، بیانگر این واقعیت است که هر یک بطریق اولی خواهان غلبه بر مشکلی هستند که دامنایک سیستم ارتجاعی آنان را بر زیر آتش تمایلات دمکراتیک خود گرفته است و ناچار به پذیرش این امر کرده است که پیش‌شرط پیروزی در بیکار قدرت، غلبه بر جنبش کردستان است.

هر جناحی که از محک آزمایش کردستان "سربلند" بیرون آید، علاوه بر آنکه شیور پیروزی حاکمیت سرمایه‌داری را بصدا در میآورد با احتمال زیاد خود را نیز بمثابهی سر کردهی سیستم سرمایه‌داری بر سایر رقبا تحمیل خواهد کرد. بر پایهی این واقعیت است که جناح‌های مختلف حاکمیت تضادشان در مورد مشخص کردستان شکل میگیرد و در عکس العمل‌هایشان بروز میکند.

ما اکنون بطور مختصر به ردیابی سیاستهای ضدونقیض هیئت حاکمه در مورد کردستان می‌پردازیم.

بطور عمده سه جریان با سه سیاست جداگانه و یک هدف مشترک در مقابل معضلی بنام مسئله ملی خلق کرد صف آرایی کرده‌اند. هر یک از زوایای مختلف و بر طبق درک و جهان بینی خود، با مسئله ملی برخورد میکنند و همه در یک نقطه تلاقی میکنند، در نقطه‌ای گرهی یعنی آنجا که صحبت بر سر ابقای مناسبات سرمایه‌داری است.

یک جناح که خود را ملی مینامد و حداقل در مورد کردستان مدعی "رعایت" دموکراسی بورژوازی است و بسا وسیلهی فروهر و دارو دستهی حزب ملت ایران نمایندگی میشود، راه حل سیاسی را برای حل مسئله ملی بدولت پیشنهاد میکند. این جناح معتقد است که با اعطای خود مختاری اخته شده و با ساخت و باخت سیاسی با جناح سازشکار جنبش کردستان - حزب دموکرات - و معامله و سازش بر سر منافع خلق کرد، میتوان از یکسو نیروی محرکهی جنبش کردستان - مسئله ملی - را به لوٹ کشاند و از سوی دیگر

با دلجویی از همسالکی های کرد - و بوسلهی آنها - مسوان! ار کسرس و نفوذ نیروهای انقلابی و کمونیست و روند رادیکالیزه شدن جنبش کردستان جلوگیری کرد. آنها رژیم را بشهادت میکشد با انقلاب را متوقف سازنستند. امان همان کسانی هستند که برعم عدهای جناح " یا حسن است" هیئت حاکمه را تشکیل میدهد! این جناح از لحاظ تاریخی برای حفظ منافع حیاتی سرمایه داری موظف است. حواشه های انقلاب را با سم خطرناک رفرمیسم بخشکاندویسا حداقل تک حسی انقلابی را که با برنامه های انقلابی (طرح ۲۶ ماده ای) بیش میزانزد یک جنبش رفرمیستی بسا برنامه های رفرمیستی (طرح ۶ ماده ای) تبدیل نمائند. جناح دیگر که با علم وکل اسلام نمودان آمد است و تا حد قدرت و نفوذ زیادی در همهی مناصب دولتی است. حزب جمهوری اسلامی است. این حزب که ارتجاعی تر است محل هیئت حاکمه را تشکیل میدهد و از طریق شبکه سیاسی ارتباطی وسیع بر افکار عمومی مسلط است. اصولاً با نفس نام و تمام مسئله ملی، با نادیده گرفتن هر گونه حقوقی برای خلق کرد، خود را مسئولی نمائندهی صد ایرانی شمرده است. سیاستها و ارتجاعی ترین اقدامات معرفی کرده است. بدور این کانون بوطنه های ضد انقلابی و روزنامه ی جمهوری

درکاهش قرار دارند. بنی صدر نماینده ی سیاسی است که میخواهد با پنبه سر ببرد. او سیاست تحمیق و سرکوب را نوام بکار میبرد. بنی صدر همواره سعی دارد توده ها را بر علیه خودشان، بر علیه متحدینشان و بر علیه منافعشان بشورانند. ۲۵ میلیون نفر بر علیه "شوکران" دانشگاه، ۲۵ میلیون نفر بر علیه کردستان و فس علیهدا بنی صدر هیچ چیز نیست جز یک سوداگر قدرت، " مرد کم اهمیتی که در سطوح مختلف اهمیت پیدا کرده است، جنک قدرت بین او و حزب جمهوری اسلامی در شرایط فقدان امام امت تماشائی خواهد بود. بهمین خاطر بنی صدر از هم اکنون بدنبال متحدینی میگردد تا او را در جنک آینده در کنار کودتاها ی بی در بی باری دهند. پیونده سیست که وی با وجود مخالفت رشت بر ندرش امتیازاتی به مجاهدین خلق میدهد، سرکرد وحدت، کنفرانس انقلاب فرهنگی، و تظاهرات طولانی او با رجوی و احسان همدردی مشترک آنها بر مورد سیاست های اسخمار طلبانه ی رشتب مشترک هیچ تک نیستند. بنی صدر بر طبق همین شخصیت ماجراجویانه و بی حیوای خود در برابر کردستان موضعی را به نمایش میگدارد که دائماً تغییر است، او سیاست سرکوب و رفرم را نوام بکار میبرد.

ما بعنوان کمونیست وظیفه ی خود می دانیم که به مبارزه با هر نوع ستیسم امپریالیستی برخیزیم. یعنی ارحق ملل تحت ستیسم دفاع کنیم. یعنی حق تعیین سرنوشت را برای خلقها بدون چون و چرا برسمیت بشناسیم.

با توجه بدرک خود از هیئت حاکمه و سیاستهای ضدو تقیضان در مورد کردستان، اکنون به تعقیب جنبش کردستان و تاثیر آن بر موضع گیریهای هیئت حاکمه می پردازیم.

سندج نقطه آغازین جنبش کردستان

جنبش خلق کرد آغاز حرکت خود را با قیام اسفند ماه ۵۸ مردم سندج و سرکوب خونین آن توسط رژیم جشن میکرد. در روز خوسین سندج نه تنها نقطه ی شروع یک حرکت انقلابی شد که در طول ۱۴ ماه ارتجاع را به سئوه آورد بلکه در نین حال فرصتی بود تا رنکار توهم از رخسار جامعه ی کردستان زدوده شود و در یک چشم بر هم زدن تمام خویشداری ها در مورد رژیم به بی اعتمادی، تنبر و ختم انقلابی بدل شود و معیاری بود که با آن سازمانهای سیاسی کردستان و ایران عمار مردمی بودن رژیم را محک زدند. سفاکی رژیم در سرکوب مردم آتهم توسط ارتش که تا بکماه قبل از آن اماح شدیدترین حملات توده های انقلابی ایران بود، نقدین و تلخیص همین ارتش مانند شوک الکتریکی بر توده های مردم سندج اثر کرد تا بحدیکه آنها در جهره ی سردمداران حکومت، نه ناجیان خود، نه اعطا کنندگان خودمخاری، و نه انقلاب

اسلامی، ایدئولوکها، سیاستمداران و سخن گویان آستینس مراج ارتجاع حلقه رده اند. آنها مرتباً از فراز بیونتها، شمار جمعه، مساجد، رادیو تلویزیون و مطبوعات احسار آتش جسم دولت را دامن ردد و با اعرام ارتش و ناسداران نه کردستان و کبیل آنها به بهتیب متحواهند خودشان در زمین خاکی بر مست قدرت کبیلند برند.

این حزب مصلحت محالینس با جنبش کمونیستی، از نقطه نظر منافع طبقاتی و ایدئولوژیک و مخالفت با حسیستای ارتادمحس بطور اعم و بوزنه جنبش کردستان بسببوند به هیچ حیر دیگر حر حکومت سرمایه داری نکهه کند، بساواند به آن اسخمار تحسد و سینه چاک تر از هر حزب بورژوازی از آن دفاع نکند. نهاد سیاستهای این حزب با رشتبای حکومتی این در سرکوب جنبش خلق کرد در این نکهه سبقتب است، که! و حریماندر، عجلاندر و تنک نظراندر بساواند جوانان سلطینی چون و حرای حاکمیت دولت است و سبکران آرام، واقع سبماندر و با صبر و تحمل بیستری. و این منای همان احلانی است که خودشان تحت عنوان سیاست انقلابی در مناسل سیاست کام به کام از آن دفاع میکنند. علاوه بر این دو جناح که دو برخورد کاملاً متضاب و را بست به کردستان ارائه میدهند، بنی صدر و متریسین

سنندج، بانه، و موضع فدائیان

نخستین حادثه جنگ سنندج است، فیلا اشاره کردیم که شهر سنندج و مردم قهرمانش بحکم شورشگری ملت کرد در میان رهانش بر علیه ارتجاع حاکم و شوونیسم قدرت طلب ناسازگار هستند و نیز گفتیم که همواره نخستین کوششهای سرکوبگران رژیم متوجهی سنندج بوده است. باین دلایل از مدتها پیش این فکر در کردستان ب افشاده بود که جنگ قریب الوقوع آینده، که نوبدی را بیامهای نوزوزی میداد، از سنندج آغاز خواهد شد. این امر موجب شد که مردم سنندج طرح مقاومت در شهر را تدارک ببینند، با رزترین جلوهی ایس تدارک "بنکها" یعنی ارکانهای مسلح مقاومت بوده ای بودند که در عین حال نقش حلقهی رابط مردم و سازمانهای سیاسی را ایفا میکردند. از همان آغاز مردم به سازمانهای سیاسی اظهار کردند که اگر قصد مقابله با ارتش را نداشته باشند، آنها را خلع سلاح خواهند کرد و خود را سا مقاومت خواهند نمود، لذا سازمانهای سیاسی که تودهها را انقلابی از خود یافتند بمقاومت بمفهومیه که مردم سنندج در تظیر داشتند تن در دادند، اما نه با تجهیزات و آمادگیی رزمی ای که چنین مقاومتی می طلبید و نه با آن روحیهی مقابله جویانهای که مردم اینطاری را داشتند. باسین ترتیب جنگ سنندج با چشم اندازهای تاریک و روشن خودسنان از بسست رور مقاومت دلیرانهی مردم و بسنمرکان ناسان یافت. کر چه هنوز رود است که همدی ابعاد مثبت و منفی این جنگ را دقیق بررسی کرد ولی اجمالا ذکر این نکات ضروری بنظر میرسد.

- ۱- ضعف تبلیغاتی سازمانهای سیاسی و کوباهی در این مورد سبب شد که یادگان با خیال آسوده شهر را بریر شوب و خمیازه بکیرد بدون اینکه خطری متوجهی خود او باشند و این منشاء تلفات سنگینی بر مردم بود.
- ۲- در بسنتر عملیات نظامی بنکها- که بدلیل عدم آشنائی با فنون جنگی می بایست وظیفهی تدارکات بسبب جهدرابر عهده داشته باشند- در عمل در صف مقدم می جنگیدند و لذا اکثر شهدای مسلح سنندج را جوانان انقلابی بنکها تشکیل میدادند.
- ۳- از آغاز جنگ شهر به سه قسمت تقسیم شد و تحت نفودسه نیروی عمدهی موجود در شهر کومه له- دموکرات- فدائیی قرار گرفت. این امر با توجه به مواضع متفاوت هر یک از آنها در برابر جریان الزاما "باین معنی بود که هر نیروئی بر حسب تحلیل و موضعگیری خود در مسائل هیئت حاکمه و بهمان میزان خود را به آب و آتش میزد. و واقعبنیر نشان داد در محلاتی که دموکرات و فدائی مسئولیت حفاظتش را بر عهده داشتند، بسبب ارتش آسان تر بود و با مقاومت کمتری میشد. اما باید با احترام تمام از بسنمرکان قهرمان حزب دموکرات که علیرغم تمایل باطنی حزبان دلیرانه مقاومت کردند و شهدای زیادی در راه آزادی خلق کرد دادند. یاد کرد.

بلکه سرکوبگران شوونیسم و ارتجاع را می دیدند. از همان رور مردم بهب زده بر لاشهی کشتگان خود با شعارهای کوبند نا قوس مرک رژیم را در کردستان بحدا در آوردند و از آن پس همه روح انقلابیکری خلق کرد در مردم سنندج دمیده شد و سنندج بمنزلهی مرکز شغل عمل و اندیشهی انقلابی کردستان و بمنزلهی یکی از بانگاههای مهم فعالیت سیاسی سازمانهای انقلابی و کمونیست ایران چنان فضای دموکراتیکی بر بسا کرد که ارتجاع منطقه را که قادر به استنطاق در آن نبود محبور به هجرت نمود. فشار دائمی و وقفه ناپذیر ارتجاع بر کردستان که نخستین شغاعهای آن از سنندج مکشبت هنج مجالی برای متفک شدن از تفکرو عمل انقلابی برای تودههای ستمدیده کرد باقی نمیکشبت، روحیه انقلابی مردم دائما تحت سیستمی که بر خلق کردستم روا میداشت، شکل مکرفت و نکوبین می یافت. این روحیه انقلابی در سر هر بخش شامل جنبش بسحو با رزتری نمودار میشد. باین دلیل ونئی جنبش مسلحانه در متن چنین شرایطی که با وضع سخت و طاقت فرسای اقتصادی بسز عجیب شده بود، قرار گرفتست با استعمال و بسنسیاسی بی سائیهی تودهها مواجه شد. اکنون این جنبش سراسر از قدرت توده ای با چنان سرعتمی سد پیش منارد که نه تنها بر روی مدافعین نایکبشس راه سازتکاری را سدود کرده است بلکه برای دشمنان سر هنج ممری برای کریر باقی نگذاشته است. و به این دلیل اساکد سانسهای ریکاریک هیئت حاکمه وقتیه با سد مقاومت بوده ای خلق کرد مواحه میشود رتکمبارد. تمام جناحها را دچار سرکنجه میکشد و هنج راهی جز عکس العمل های بند، افراطی و فدا انقلابی برایشان باقی نمیکشبت و لذا جناح با اصطلاح جنگ امروز را در مقابل خلق کرد فرار میدهد، فد انقلاب را بحیاف انقلاب میکشاند و بر خورد حتمی و اجتناب ناپذیر این دو شکل جنگ مسلحانه عیان میشود. جنگی که مانند میزان الحرارةی مدت حرارت کرایشات طلع طلا نانه را در هیئت حاکمه نشان میدهد، به این معنی که در بی هنج شکست نظامی رژیم در کردستان، ارتجاع قدمی به بس نمیکشبت و فرصی بدست میدهد تا جناح با حسن نیت! برای جلوگیری از اذامدی افتتاحات و کسب مجالی برای بازسازی و تقویت روحیهی دوباره ای ارتجاع سر و کله شان پیدا شود. این دور تا بحال چندین بار تکرار شده است: اول بار امام امت محبور شد پیام تاریخی حملهی مرداد را با پیام تاریخی صلح آبان نفی کند و ایسار بسی صدر ناچار است دستور قلع و قمع ضد انقلابیون" و خلق سلاح " گروههای غیر مسئول را با اساراب و کنایات حولانهای مبنی بر قبول طرح ۶ ماده ای بس نکیرد. چند شکست نظامی دیگر کافی است که جناح حزب جمهوری اسلامی سر در لاک فرو برد و بار فروهر زمام حل مسئلهی کردستان را بدست گیرد.

اکنون در شرایطی کاملاً متفاوت با اوایلین دور مذاکرات دولت و هیئت نمایندگی خلق کرد، باز زمزمه مداکره و قطع جنگ و محاصرهی اقتصادی نکوتی میرسد. در این شرایط وضعیت سیاسی و نظامی کردستان و ایران بدینال جید حادثه ای بسر اهمیت کم و بسر دگرگون شده است.

برای برقراری صلح پایدار در کردستان

۴- مهم‌برس نکندی فاسل بحث در این جنگ گروه‌گرایی حاکم بر جریانات مختلف سیاسی بود. نمونه‌های فراوانی از سیم‌زدن، سهم کردن یکدیگر و غیره بحشم می‌خورد. مورد منحصر آن که در تهران نیز شدت رایج بود اتهام سرک‌محنی جنگ توسط کومه‌له بود که توسط فدائیان اعلام و دامن زده شد.

دومس حادثه، خلق سلاح ستونی ار ارتش بود که در نزدیکی ساند رخ داد، این واقعه زنگ خطر را برای ارتش و دولت نهاد در آورد و به آنها نشان داد که تسلط نظامی سرگردسان و خلق سلاح نیروهای انقلابی محال است. این شکست نظامی اگر بلافاصله با ورود ستون کمکی بد یانه جبران نمی‌شد. معادله‌ی سیاسی هیئت حاکمه را برهم می‌زد. اکنون این سؤال هم برای توده‌ها و هم برای نیروهای انقلابی مطرح است که: چرا و چگونه بلافاصله پس از نلع و فمع یک ستون ارتش ستون دیگری بدون اینکه خم به آبرو بیاورد از همان محل می‌گذرد؟!

اما حادثه‌ی سوم که در سرنوشت جنبش کردستان نیسز بی تاثیر نخواهد بود، چگونه روند مواضع سازمان چریک‌ها فدائی خلق و انشعاب‌اخیر آنان است. هر چند سازمان فدائیان از نظر کمی نیروی قابل ملاحظه‌ای را در جنبش کردستان تشکیل نمی‌دهند، اما همین کمیت، بعلت کیفیت سرباسری بودن سازمان نقش موشری را در جنبش کردستان بعهده دارد. مواضع اخیر جناح اکثریت کمیته مرکزی مندرجه در کار ۵۹ - نشان داد که فدائیان خلق تا چه حد به دام توده‌انسم در غلطیده‌اند و چگونه می‌توانند با توجیهات سی بابدای اصل "حکومت غیر وابسته" رایعنوان تئوری سازش با هیئت حاکمه به مردم ارائه دهند. پیش‌فرض نادرست حکومت غیر وابسته فدائیان می‌تواند در موضعگیری منخص آنان در مورد جنبش کردستان که این حاکمیت را بمصصاف طلبیده‌است تاثیر نکدارد و بناچار سازمان فدائیان در مورد مسئله‌ی ملی، دنباله‌رو حزب توده و حزب دموکرات خواهد شد.

سی جهت‌یست که سخریبا و بلافاصله پس از انتشار کار ۵۹، سچفا با اسنار بیانیهای منسرك با حزب دموکرات، موضع خود را در مورد جنبش کردستان از یک موضع مترقی بیک موضع سازنکارانه نزل داد. در این بیانیه که بر اصول فرمیستی و مواضع تسلیم طلبانه بافتاری شده است با توسل بسسه اسدال آسناى " مبارزه‌ی فد امپریالیستی برهبری خرده‌بور-رواری" و لزوم استنرار "حمیهدی متحد خلق علیه‌ی امپریالیسم" و غیره، از یکسو اعتماد بنفس دولت سرمایه‌داری را، کسه با بکسری لطمات سانی از بحران اجتماعی و شکست‌های پی در پی نیلانی - سیاسی در کردستان جریحه‌دار تده است، تقویت کرده و از سوی دیگر با بسط اندیشه‌های غیر انقلابی و سازنکارانه، با تضعیف هیئت نمایندگی خلق کرد بمنزله‌ی محصول یک دوره سبروری فاطع جنبش کردستان بر رژیم سرما-بدداری ایران، با فراهم آوردن زمینه‌های شکاف و تفرقه در معوب انقلاب در کردستان و با اتکا، به روتشهای استالینیستی سرکوب یعنی لجن مال کردن متحدین دیروزی و خاسوس بعن، و عادل امپریالیسم خواندن آنها، تنها راه رشد سرمایه‌داری

وابسته! را هموار نموده است. به این ترتیب دورنمای آینده‌ی جنبش کردستان، بسا وجود موفقیت‌های مزطه‌ای، با وجود نفوذ فزاینده‌ی انقلابی ترین جناح جنبش کردستان - کومه‌له و دیگر سازمانهای کمونیستی ایران - تیره و تار است. به این سوال که جنبش کردستان به کجا می‌رود؟ در حال حاضر هیچ جواب مشخصی نمیتوان داد. متفاا به اینکه همزمان با تشدید اقدامات ضد انقلابی هیئت حاکمه، تمایلات جدائی خواهانه در توده‌های کردتقویت میشود. این واقعیتی است که رفته رفته باید در بحث‌های جنبش کمونیستی ایران جنبه‌های متفاوت آن بطور موشکافانه بررسی شود.

مادر اینجا و در این مورد بذكر این نکته اکتفا میکنیم که تمایلات جدائی خواهی محصول ذهنی شرایط ویژه‌ای است شرایطی که به ملت غالب در مجموعه‌ای از ملل این امکان را میدهد که ملت مغلوب را دائما غارت کند، منافع این غارتگری مستقیما متوجه‌ی بورژوازی ملت غالب است و لذا ستم ملی، در زمره‌ی ستمهای سرمایه‌داری و در این عصر ستمی امپریالیستی است. ما بعنوان کمونیست وظیفه‌ی خود میدانیم که به مبارزه با هر نوع ستم امپریالیستی برخیزیم یعنی از حق ملل مغلوب دفاع کنیم، یعنی حق تعیین سرنوشت را بدون چون و چرا به رسمیت بشناسیم ●

مجلس شورای "اسلامی" ..

قوانین مصوبه، ضد مردمی مجلس اسلامی نیز سر به شورش برخوانند داشت. درست همینجاست که نقش نیروهای چپ در مورد افشای ماهیت جناح‌های درکبیر (وقدر مسلم نه تقویت بکی در مقابل دیگری) اهمیت خود را آشکار میکند. اکثر نیروهای چپ نتوانند ناراضی‌ت توده‌ها را کاتالیزه کرده و دشمن اصلی و راه مبارزه را به آنها نشان دهند، بسار دیگر تمام مسئولیت شکست قیام توده‌های زحمتکش ایران را متوجه خود خواهند کرد ●

تصحیح

مناسفانه در مقاله " پیوستگی امپریالیسم و قطع رابطه با امپریالیسم بروایت رژیم جمهوری اسلامی" که در رهائی شماره ۳۴ درج شد نام نویسنده مقاله (مسعود سراجی) از از قلم افتاده بود که بدینوسیله تصحیح میشود.

هفته‌نامه رهائی
سازمان وحدت نشریه کمونیستی

از مبارزه مسلحانه خلق کرد قاطعانه دفاع کنیم!